

بررسی شیوه های مدیریتی امیرالمؤمنین (ع) در مقابله با دشمنان برگرفته از زیارت غدیریه امام هادی (ع)

رضیه سادات سجادی*

زینب سادات رضوی**

چکیده

شناخت و بررسی شیوه های مدیریتی یک مدیر و حاکم در مقابله با دشمنان می تواند سیاست های مدیریتی و میزان موفقیت وی در عملکرد های بعدی اش را تبیین و برجسته تر بنمایاند. امام علی(ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی در موقعیت های مختلف از سبک های مدیریتی متفاوت متناسب با شرایط استفاده نموده اند. نحوه مدیریت ایشان نشان می دهد که برای مدیریت در زمان ها و مکان های مختلف نمی توان از یک سبک خاص استفاده نمود. این پژوهش با بررسی عبارات زیارت غدیریه که از جامع ترین زیارت ها و غنی ترین منابعی است که در روز غدیر توسط امام معصوم در مورد امیرالمؤمنین(ع) صادر شده، به روش توصیفی - تحلیلی در صدد تبیین سبک های مدیریتی امام علی(ع) مبنی بر شیوه های مقابله ایشان با دشمنان از حیث اخلاقی و عملی است. شیوه های مدیریتی امام در مقابله با دشمنان در زیارت غدیریه عبارت اند از: شجاعت در برابر دشمن، عدم سازش با دشمنان، پافشاری و ایستادگی بر حق، تذکر و موعظه و فراخوانی به ترس از خدا، استقامت در برابر دشمن، صبر در برابر آزار دشمنان، سخت گیری بر کافران، کردانی و دشمن شناسی.

واژگان کلیدی: امیرالمؤمنین علیه السلام، امام هادی علیه السلام، زیارت غدیریه، مدیریت.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم(نویسنده مسئول)، Masjed1214@yahoo.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، Z.razavii74@gmail.com

مقدمه

یکی از راه‌های بیان حقائق دین در مکتب تشیع، ادعیه و زیاراتی است که از ناحیه‌ی معصومین (ع) صادر و به شیعیان تعلیم داده شده است.

امام هادی علیه السلام با بیان برخی از زیارات از جمله زیارت غدیریه، جایگاه امامت و سیره‌ی ائمه‌ی اطهار (ع) علی‌الخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام را به جامعه اسلامی معرفی کردند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۲۳ ق، ص ۵۹۹)، با توجه به تبلیغات دشمنان علیه معصومین علیهم السلام تبیین جایگاه اصلی امامان کاری بس دشوار و ضروری بنظر می‌رسید. (طباطبایی، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۲۸) بدین جهت در این خصوص از ناحیه امام دهم زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه صادر شد.

پژوهش حاضر که با هدف تعیین سبک مدیریت امام علی علیه السلام در خلال جملات گهربار امام هادی علیه السلام در زیارت مقدسه غدیریه انجام شده، کوشیده است که شیوه‌های مقابله امیرالمؤمنین علیه السلام با دشمنان را از رهگذر بررسی فرازهای زیارت غدیریه بیان کند. گردآوری اطلاعات در این تحقیق بصورت کتابخانه‌ای صورت گرفته است و در پردازش اطلاعات از شیوه‌های شرح، تعریف، توصیف و تحلیل احادیث، مقایسه و بیان شواهد تاریخی استفاده شده است.

از اهداف این پژوهش، نمایان ساختن مقام والای امام علی علیه السلام و اثبات حقانیت و ولایت ایشان و الگوپذیری از اعمالشان جهت پیشرفت مدیریت امور مختلف جامعه و ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات مدیریتی است. حکومت اسلامی برای احیای دین و تأمین آرامش، امنیت اجتماعی و احقاق حقوق مردم بنا شده است، بنابراین در نظام اسلامی مدیر باید با توجه به منزلت انسانی، مسائل ارزشی، وضع قوانین و مقررات و هماهنگی با احکام الهی مدیریت کند.

پیشینه پژوهش

برخی از نگارش‌های صورت گرفته با محوریت زیارت غدیریه عبارت است از:

الف: پایان نامه‌ها

بررسی سندی و تحلیل دلالتی زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام با تأکید بر مسئله امامت: محمد مهدی بهجت (۱۳۹۵)؛ ویژگی‌های جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس استشهدات قرآنی برای زیارت غدیریه: سید جعفر بدری (۱۳۹۵)؛ بررسی ساختاری و نقد محتوایی زیارت غدیریه



با تأکید بر امام شناسی: زهرا مسائلی (۱۳۹۶)؛ تحلیل زیارت غدیریه؛ امام علی علیه السلام در کلام امام هادی علیه السلام: بهمن درخشان (۱۳۹۶)؛ مستندات قرآنی زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام: بتول سادات هاشمی (۱۳۹۶)؛ مستندات قرآنی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام در زیارت غدیریه: محمد اسحاق مهدوی (۱۳۹۸)؛ مستندات قرآنی مباحث اعتقادی خطبه غدیریه: نبی عالمی (۱۳۹۶)؛ اقتباس و نقش معنایی آن در زیارت غدیریه امیرالمؤمنین علیه السلام از امام هادی علیه السلام: امتیاز علی (۱۳۹۸)؛ امام شناسی در زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام و تأثیر آن در کشف المراد و عبققات الأنوار: محمد مردی (۱۳۹۸).

ب. مقالات

اثبات ولایت حضرت علی در زیارت غدیریه: عقیده غلامپور و مریم حسینی (۱۳۹۴)؛ درس های امامت از زیارت غدیریه: عبدالحسین طالعی (۱۳۹۵)؛ سبب صدور زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام: محمود ملکی تراکمه و فاطمه رحیم دل (۱۳۹۵)؛ زیارت غدیریه از منظر روش تفسیری مصداق یابی: سیده فاطمه حسینی و دیگران (۱۳۹۶)؛ بررسی شیوه های مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام در تعامل با زبردستان برگرفته از زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام: رضیه سادات سجادی و زینب سادات رضوی (۱۴۰۱)

ج. کتاب

علی علیه السلام آفتاب ملکوت: صادق میرشفیعی

در پژوهش های فوق، به مسائلی همچون ویژگی های جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بر اساس استشهادات قرآنی زیارت غدیریه، مباحث اعتقادی و مستندات قرآنی زیارت غدیریه در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته شده است، اما مسئله اصلی هیچ یک از دانشوران، بررسی و واریسی دقیق از فهم اخلاق مدیریتی امام علی علیه السلام در مقابله با دشمنان آن هم بر پایه زیارت غدیریه نبوده است.

وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش های مذکور چنین است که به روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از کتب تاریخی شیعه و عامه و کتب مدیریتی، مولفه های مدیریتی امام علی علیه السلام در مقابله دشمنان را در عبارات زیارت غدیریه به صورت مستقل و اختصاصی در مقام مدیر و حاکم بازشناسی و تحلیل کند. بدین منظور ابتدا شاخص های مدیریتی امام علی علیه السلام در زیارت غدیریه جمع آوری و در هر قسمت در قالب تحلیل و بررسی و تطبیق رفتار امام علی علیه السلام با دشمنان به عنوان مدیر در سنجه تحلیل

قرار می گیرد. با توجه به اینکه درباره شیوه مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام در مواجهه با دشمنان با محوریت خطبه غدیریه امام هادی علیه السلام تاکنون کاری صورت نگرفته است از این جهت، موضوع این پژوهش جدید محسوب می شود. در این پژوهش ترتیب ویژگی های مختلف مدیریتی بر اساس ترتیب فرازهای زیارت غدیریه است.

۱. مفاهیم

قبل از آغاز بحث، لازم است برخی از مفاهیم تعریف شود.

۱-۱. مدیر

در لغت: به معنای کارگردان، گرداننده، دوردهنده، اداره کننده و کسی که کاری را اداره میکند است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۱۶۲)

در اصطلاح: مدیریت، فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت میگیرد. (رضائیان، ۱۳۸۲ ش، ص ۴)

۲-۱. مدیریت اسلامی

«مدیریت اسلامی شیوه خاصی از رهبری است مبتنی بر مبانی فکری و عقیدتی اسلام و برای آشنا شدن با این سبک مدیریت، شناخت مبانی اسلام درباره رهبری ضروری است». (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۳)

۳-۱. زیارت غدیریه

«زیارت»، از ریشه (زور) به معنای عدول از چیزی است و زائر را از آن جهت زائر میگویند که وقتی به زیارت مزور می رود، از غیر او عدول می کند و رو برمی گرداند». (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۳۶)

زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام از جمله زیاراتی است که در آن با ارائه ی بیش از ۳۰ آیه از قرآن مجید به ذکر ۲۰۶ فضیلت از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته است. متن این زیارت مبارکه در برخی کتب حدیثی نقل شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۰-۳۶۸؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۶۷؛ ابن مکی، بی تا، ص ۷۱) محتوای این زیارت بیان فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام شامل: (فضیلت های قرآنی، حدیثی و تاریخی) است.



۲. شیوه های مقابله امیرالمومنین علیه السلام در برابر دشمنان

شناخت و مقابله ی با دشمن، بررسی رویدادهای پیرامون و ارتقای قدرت تحلیل در ارتباط با آنها بسیار حائز اهمیت است. دشمن و دشمنی همیشه در تاریخ وجود داشته و دوری از گزند آن امکان ناپذیر است، لذا برای مصون ماندن از بحران‌های ناشی از آن، باید زندگی انسان‌های برگزیده و برجسته ای همانند امام علی علیه السلام را در تاریخ مورد مطالعه قرار داد و از روش‌های آنان برای مقابله با دشمن استفاده نمود و علل پیروزی آنان را بررسی کرد.

شیوه های مقابله امیرالمومنین علیه السلام در برابر دشمنان که در زیارت غدیریه ذکر شده است را می توان چنین برشمرد:

۱-۲. شجاعت در برابر دشمن

از جمله ویژگیهای امیرالمؤمنین علیه السلام در برخورد با دشمنان، برخورداری از شجاعت است که در موقعیت مناسب بکار می رفت و در فرازهای مختلف زیارت غدیریه بدان اشاره شده است؛ از جمله:

"و لا احجمت عن مجاهدة غاصبيك ناكلا" (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۱): و بخاطر ترس و وحشت از پیکار با غاصبان ولایت، قدم به عقب نگذاشتی.

"وانت القائل لا يزيدني كثرة الناس حولى عزة، ولا تفرقهم عني وحشة" (همان، ص ۳۶۲): و تویی گوینده این سخن: کثرت مردم در پیرامونم عزتی به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند.

"و لا يخافون لومة لائم" (همان، ص ۳۶۴): از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند.

"لا تاخذك في الله لومة لائم" (همان، ص ۳۶۷): سرزنش هیچ سرزنش کننده ای تو را در راه خدا نگرفت.

"فقتلت عمروهم وهزمت جمعهم" (همان، ص ۳۶۵): عمرو قهرمان آنها را کشتی و جمع آنان را فراری دادی.

"انت تذود بهم المشركين عن النبي ذات اليمين وذات الشمال" (همان، ص ۳۶۵): تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر صلی الله علیه و آله به راست و چپ می راندی.

از آنجا که رهبر یک مملکت با انواع بحران‌ها، توطئه‌ها، حمله‌ها و جنگ‌ها مواجه است، شجاعت از ویژگی‌های لازمه‌ی رهبری به شمار می‌آید و اگر چنین صفتی را نداشته باشد در اهداء کشور و مملکت به صاحبان زور و اسلحه لحظه‌ای درنگ نمی‌کند.

از جمله وقایع تاریخی که دال بر شجاعت بی‌نظیر امیرالمومنین علیه السلام است، جنگ احزاب است، در این جنگ عمرو بن عبدود، مردی که شجاعتش زبانزد بود و او را با هزار سوار برابر می‌دانستند، همراه عده‌ای از تنگنای خندق گذشت و مغرورانه به فریاد مبارزه طلبی پرداخت، حضرت علی علیه السلام برای جنگ با او برخاستند، اما پیامبر صلی الله علیه و اله دستور توقف دادند تا شاید فرد دیگری پیاخیزد. مسلمانان از ترس عمرو سکوت کردند و کسی از آنان برای مبارزه داوطلب نشد، سرانجام با اذن پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله امیرالمومنین علیه السلام برای جنگ با عمرو روانه میدان گشتند، امام پیش تاختند و از عمرو خواستند اسلام را بپذیرد یا از مبارزه منصرف شود، عمرو هر دو خواسته را رد کرد و قبول نکرد، سپس بین آنان جنگی سخت درگرفت و حضرت علی علیه السلام با ضربه‌ای عمرو را به هلاکت رساندند و در پی آن، همراهان عمرو گریختند و امیرالمومنین علیه السلام در پی این پیروزی، تکبیر گفتند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹، ص ۶۳ و ص ۶۴؛ ابن هشام، بی تا، ج ۳، صص ۲۳۴-۲۳۷؛ طبری، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۵۷۳ و ص ۵۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، صص ۹۸-۱۰۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، صص ۳۷۹-۳۸۲)

این عبارت امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه "فقتلت عمروهم و هزمت جمعهم" اشاره به همین واقعه دارد.

شجاعت برای رهبر و زمامدار باید در تصمیم‌گیری، برخورد با باطل و دفاع از حق، پاسداری از حقوق مردم، جنگ‌ها و نبردها و محافظت از نظام و حکومت نمودار باشد. (سلمانی کیاسری، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۱۳)

عبارت "لایخافون لومة لائم" در زیارت غدیریه را می‌توان در سخنان امام علی علیه السلام پس از قتل عثمان، خطاب به مردم، دریافت، آنگاه که هجوم آوردند تا با امام علیه السلام بیعت کنند، فرمود: "آگاه باشید اگر دعوت شما را بپذیرم، براساس آنچه می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرا نمی‌دهم". (شریف رضی، نهج البلاغه، خ ۹۲، ص ۱۲۲)



و در جای دیگر فرمود: «به خدا سوگند اگر تنها با دشمنان روبه رو شوم، در حالیکه آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند باکی ندارم و نمی‌هراسم». (همان، نامه ۶۲، ص ۴۲۶) فراز «لا یزیدنی کثرة الناس حولی عزه و لا تفرقه منی وحشه» در زیارت غدیریه، گویای این سخن امام علیه السلام است.

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت از حجة الوداع به سال دهم قمری در مکانی بنام غدیر خم فرمودند: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامَ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلَّهُ مَعِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا تَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۷، ص ۲۰۶؛ امینی، ۱۳۵۴ ش، ج ۱، ص ۱۲ و ص ۲۹۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۵، ص ۳۰۷) به راستی علی بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من و امام بعد از من است؛ و نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است، جز اینکه پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است.

بدینگونه پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را ولی و جانشین خود معرفی کردند و حاضران که بزرگان صحابه نیز در میانشان بودند در آنجا با امام علیه السلام بیعت کردند. اما پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شورای سقیفه، ابوبکر به عنوان خلیفه انتخاب شد و به قدرت رسید. سپس گروهی برای اخذ بیعت از امیرالمومنین علیه السلام بدون توجه به سفارش های پیامبر صلی الله علیه و آله به در خانه امام علیه السلام رفتند و با زور حضرت را به محل سقیفه بردند و از ایشان خواستند تا با ابوبکر بیعت کنند، اما امام علیه السلام، با شجاعت تمام از بیعت خودداری کرده و پاسخ دادند: «من به خلافت سزاوارتر از شما هستم و با شما بیعت نخواهم کرد، سزاوارتر است شما با من بیعت کنید چراکه شما با استناد به خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله خلافت را از انصار گرفتید و اکنون ان را از ما غصب می کنید». (دینوری، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، صص ۲۹-۳۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۱۳؛ عین القضاة، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۳) این فراز از زیارت غدیریه که می فرمایند: «و لا احجمت عن مجاهدة غاصبيک ناکلا» اشاره به ماجرای ذکر شده دارد.

شجاعت، منطق امیرالمومنین علیه السلام در زندگی بود و در مدت قریب به پنج سال حکومت خویش، همین منطق را بکار بردند، بدینگونه که در روز دوم خلافتشان در باره اموال فراوان بیت المال که عثمان به بعضی از خویشاوندان خود بخشیده بود، خطاب به مردم فرمودند: «به خدا

سوگند بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی ان باز می گردانم، گرچه با ان ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و ان کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برایش سخت تر است.» (شریف رضی، ۱۳۹۴ ش، خ ۱۵، ص ۳۹؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۳، ص ۵۷۰) امام علی علیه السلام با توجه به مقتضای شرایط در مقابل لجوجترین افراد شجاعانه ایستادند و برای اجرای اوامر الهی ملاحظه هیچکس را نکردند.

این عبارت زیارتنامه که می فرماید: «انت تذود بهم المشرکین عن النبی ذات الیمین و ذات الشمال»، اشاره به حضور امام در جنگها بخصوص در غزوه احد است که با شکست مسلمانان، یاران رسول خدا پا به فرار گذاشته و تنها تعداد محدودی از آنان، اطراف رسول خدا باقی مانده و از ایشان در مقابل مشرکان، حفاظت می کردند از جمله امیرالمومنین که یک تنه در مقابل سپاه کفرایستادگی نمود و جان رسول خدا را حفظ کرد. تفصیل این ماجرا در ادامه خواهد آمد.

۲-۲. عدم سازش با دشمنان

سازش نکردن با دشمن از شیوه های مدیریتی امام المتقین است که در زیارت غدیری به آن اشاره شده است آنجا که می فرماید:

«و لا أظهرت الرضی بخلاف ما یرضی الله مداهناً» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۱) با سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می کند اظهار خشنودی نمودی.

صلابت و قاطعیت برای اجرای حدود و قوانین اسلام، از خصال بسیار ارزشمندی است که تا انسان دارای صفت شجاعت نباشد، نمی تواند به این خصلت دست یابد.

قاطعیت، از لوازم اجتناب ناپذیر و قطعی مدیریت است. مدیر شایسته کسی است که در اداره سازمان و افراد تحت مدیریت خود کمتر دچار حیرت و تردید و ضعف در تصمیم گیری می شود، بلکه با قاطعیت تمام موانع پیشرفت کار را از سر راه برمی دارد و گره های کور را می گشاید.

(محمدی ری شهری، ۱۳۹۱ ش، ص ۸۱)

حضرت علی علیه السلام هرگز در امور دین مداهنه نمی کردند و آن را به مسامحه و شوخی نمی گرفتند، بلکه قاطعانه در برابر دشمن ایستاده و رضای خداوند متعال را بر همه چیز مقدم می داشتند.



امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر، هنگامی که او را به حکومت مصر منصوب کردند، توصیه کردند که برای قضاوت، افرادی را برگزیند که یکی از آن ویژگی‌هایشان قاطعیت باشد. (شریف رضی، ۱۳۹۴ ش، نامه ۵۳، ص ۴۰۲) هم چنین در نامه‌ای به جریر بن عبدالله بجلی که فرستاده ایشان به سوی معاویه بوده، چنین نوشتند: معاویه را به یکسره کردن کار وادار کن و با او برخوردی قاطع داشته باش. پس او را آزاد بگذار در پذیرفتن جنگی که مردم را از خانه‌ها بیرون می‌ریزد یا تسلیم شدنی خوار کننده. آنگاه اگر جنگ را برگزید، امان نامه او را بر زمین بکوب و اگر صلح خواست، از او بیعت بگیر. (همان، نامه ۷، ص ۳۴۶)

امام علی علیه السلام در جای دیگری به معاویه فرمودند: به خدا سوگند اگر از خونریزی در مهلت تعیین شده پرهیز شود، ضربه کوبنده‌ای دریافت می‌کردی که استخوان را خرد کرده و گوشت را بریزاند. (همان، نامه ۷۳، ص ۴۳۶)

از جمله وقایعی که عدم سازش امیرالمومنین علیه السلام با دشمنان و قاطعیت حضرت در برابر آنان را نشان می‌دهد مسئله‌ی خلافت و حاکمیت است. در شورای شش نفره‌ای که عمر قبل از مرگ خود انتخاب کرد تا یکی را از میان خود به عنوان خلیفه برگزینند (سیوطی، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۲۹) ابتدا اعضای شورا از حضرت علی علیه السلام درخواست کردند تا متعهد شود که در صورت نیل به مقام خلافت، به کتاب خدا، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ابوبکر و عمر عمل کند. امیرالمومنین علیه السلام در جواب فرمودند: «امید آن دارم که در محدوده دانش، توانایی و اجتهاد خود به کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کنم» (طبری، ۱۳۸۸ ش، ج ۴، صص ۲۳۰-۲۳۳) امیرالمومنین علیه السلام این شرط را نوعی فریب دانستند، بدین گونه با قاطعیت تمام، عمل به سنت غیر رسول الله صلی الله علیه و آله را نپذیرفتند و بدون مداهنه طبق دستور خدا و رسولش عمل کردند. (طبری، ۱۳۸۸ ش، ج ۴، صص ۲۹۶-۳۰۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۹۴؛ جوهری بصری، بی تا، ص ۸۷؛ مقدسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۲) و این فراز زیارت غدیریّه "و لا أظهرت الرضی بخلاف ما یرضی الله مدهناً"، گویای همین عدم سازش امام با دشمن است.

۲-۳. پافشاری و ایستادگی بر حق

پافشاری و ایستادگی بر حق را می توان از شیوه های مدیریتی امیرالمومنین علیه السلام دانست که مورد اشاره زیارت غدیری قرار گرفته است؛ آنجا که می فرماید: «وَلَا أَمْسُكَتَ عَنْ حَقِّكَ جَارِعًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۱) و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی.

«وَلَا ضَعْفَتَ وَلَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مَرَاقِبًا فَلَمَّا آلَ الْأَمْرَ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلِيٌّ مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ» (همان) و بخاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی چون حکومت به تو برگشت، بخاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود، در حالی که از آن دو نفر رویگردان بودی، با خویشان پیامبر، به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند.

"ما انقیط ضارعا" (همان): از روی زبونی محافظه کاری نکردی.

"وَلَا أَوْهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ" (همان): و بخاطر آنچه در راه خدا به تو رسیده سست نشدی.

"لَا تَهِنَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ" (همان): هنگام سختی ها سست نگشتی.

انسان ها در مقابل کسانی که احساس کنند از نظر دانش و مهارت و آگاهی در سطح بالاتر از خودشان هستند، حرف شنوی و اطاعت بیش تری دارند، برعکس اگر بدانند فردی از نظر اطلاعات ضعیف تر از خودشان است، حتی الامکان از اطاعت و فرمانبری او خودداری می کنند، به عبارتی افرادی می توانند مدیریت و رهبری انسان ها را به عهده گیرند که از نظر توانایی و دانش بر زیردستان برتر باشند؛ بنابراین مدیران به تناسب مسئولیتی که به عهده می گیرند باید از دانش های زمان و اطلاعات بهره مند باشند تا بتوانند با کفایت، انسان ها را رهبری کنند. (ممتاز و پرچ، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۳۱)

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا» (آل عمران/۱۴۶)؛ پس در برابر آسیب هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند (در برابر دشمن) سرتسلیم و فروتنی فرود نیاوردند.

امام علی علیه السلام هیچ گاه در حکومت خود حتی یک لحظه هم سستی نشان ندادند، در ابتدای حکومت شان بعضی به ایشان گفتند: «مردم به دنیا دل بسته اند، معاویه با هدایا و پول های فراوان آنها را جذب می کند، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند». حضرت علیه السلام در پاسخ



فرمودند: آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد به اموال خدا؛ آگاه باشید بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است. (شریف رضی، ۱۳۹۴ ش، خ ۱۲۶، ص ۱۶۸)

حق محوری و ارزش‌های الهی باید مهم‌ترین معیار و شاخص ارزیابی راه حل‌ها باشد؛ بدین معنی که در بین راه حل‌های سازگار با این ملاک، آنچه بهره‌وری بیش‌تری دارد انتخاب شود و راه حل متعارض با این شاخص، هر چند سودآور باشد، کنار گذاشته شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «برترین مردم در پیشگاه خدا کسی است که عمل به حق در نزد او دوست داشتنی‌تر از باطل باشد، هر چند از قدر او بکاهد و به او زیان رساند و باطل به او سود رساند و برقدر او بیفزاید.» (همان، خ ۱۲۵، ص ۱۶۸)

به عبارتی در تصمیم‌گیری، حق و ارزش‌های الهی مهم‌ترین شاخص در انتخاب بهترین راه حل است.

حق حاکمیت، از آن خداست و منشاء مشروعیت حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین از سوی خداست و نقش مردم، پذیرش و فراهم‌سازی شرایط است، از این رو امام علی علیه السلام در سراسر نهج البلاغه سخن از حق الهی خود بر حکومت به میان آورده و خلافت خلفای سه‌گانه را غاصبانه و گمراه‌کننده دانسته‌اند، از جمله در خطبه ۷۴ نهج البلاغه خود را از همه برای حکومت شایسته‌تر و حکومت را حق خود شمرده‌اند.

پس از ماجرای سقیفه، امیرالمؤمنین علیه السلام با ابوبکر بیعت نکردند و به مناسبت‌های مختلف و در مواضع متعددی به این امر، اعتراض کرده و حق خود را در جانشینی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله یادآوری نمودند. طبق عبارت زیارت غدیریه «و لا امسکت عن حَقک جازعا»، امیرالمؤمنین علیه السلام همواره برای اخذ حق الهی خود تلاش می‌کردند و هرگز از روی عجز و بی‌تابی از این حق نگذشتند، بلکه بارها، به مقتضای شرایط، مساله امامت و خلافت الهی خویش را مطرح و از حق خود دفاع می‌کردند. حضرت علیه السلام در خطبه شقشقیه - که از معروف‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه است - عملکرد خلفا را نقد می‌کنند و اصل خلافت هر یک از آنان را زیر سوال می‌برند و در این باره می‌فرمایند: «به خدا قسم ابوبکر پسر ابی قحافه جامه خلافت را

پوشید در حالیکه می دانست جایگاه من در خلافت چون محور سنگ آسیا به آسیاست، سیل دانش از وجودم هم چون سیل سرازیر می شود، مرغ اندیشه به قله منزلتم نمی رسد.» (همان، خ ۳، ص ۲۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۵۱)

در جای دیگری می فرمایند: سوگند به خدا من همواره از حق خویش محروم ماندم و از هنگامی که خداوند پیامبرش را به نزد خود برد تا امروز حق مرا از من بازداشته و به دیگری اختصاص دادند. (همان، خ ۶، ص ۳۴)

دفاع امام علی علیه السلام از حق خود در جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله منحصر به این موارد نبود. یکی از مهم ترین وقایعی که امام علیه السلام در آن برحق جانشینی خویش تاکید کرده اند، واقعه ای است که به مناشده (سوگند دادن به خداوند) معروف است. در جریان مناشده، حضرت علیه السلام صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله را به خدا قسم می دهند که در مورد آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر در رابطه با جانشینی امام علی علیه السلام شنیده اند شهادت دهند. (امینی، ۱۳۵۴ ش، ج ۲، صص ۴۱-۴۲)

چنانکه در مناشده دیگری، در شورای شش نفره تعیین خلافت پس از عمر، به تبیین وقایعی می پردازند که عمدتاً در آنها پیامبر صلی الله علیه و آله به حق جانشینی ایشان تصریح کرده اند و اعضای شورا را به خدا قسم می دهند که آیا این ها را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده اید یا خیر؟ که با تایید آنها مواجه می شوند. (طوسی، ۱۴۱۴ ق، صص ۳۳۲-۳۳۳ و ۵۴۵)

سفارش های امیرالمومنین علیه السلام به حق طلبی به عنوان حاکمی الهی در جامعه اسلامی و به عبارتی مدیری آگاه و توانا، نشان دهنده توانایی و اقتدار ایشان در جهت رسیدن به حقوق الهی و برای اجرای دستورات الهی است. نحوه بیان آن حضرت علیه السلام و کوشش های ایشان نشانگر مدیریت نیرومند شان است که هرگز در مقابل دشمنان عقب نشینی نکرده و به خود هراسی راه نداده و همواره در جهت رسیدن به هدف تلاش کردند و این تلاش های پیوسته، سرانجام باعث پیروزی ایشان و شکست دشمن شد.

۲-۴. تذکر و موعظه و فراخوانی به خدا ترسی

امیرالمومنین علیه السلام در برخورد با دشمنان، آنان را گاه موعظه می کردند؛ چنانکه در زیارت غدیری به بدن اشاره شده است:



«و ذکرتهم فما ادکروا و وعظتهم فما اتعظوا و خوفتهم الله فما تخوفوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۳۶۱) و ستمکران را پنددادی ولی نپذیرفتند و اندرز دادی ولی قبول نکردند و آنان را از خدا ترساندی، ولی ترسیدند.

خداوند متعال نعمت‌های بسیاری را به انسان‌ها عطا فرموده است، اما غفلت و فراموشی آفت بزرگی است که انسان را دچار خود کرده است. مشکلات انسان‌ها همیشه ناشی از ندانستن نیست، بلکه در موارد بسیاری ناشی از غفلت، فراموشی و بی توجهی است.

یکی از روش‌هایی که قرآن کریم برای هدایت و تربیت انسان‌ها به کار گرفته است، روش تذکر و یادآوری است و خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يُتَفَعُّ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات/۵۵)؛ و پند ده زیرا پند به مومنان سود می‌دهد.

مقصود از روش تذکر، گفتار و یا رفتاری است که از مربی سر می‌زند تا مرتبی را نسبت به آنچه که از یاد برده و یا از آن غفلت کرده است و یا از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم است، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آنها برانگیزد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۷ش، ص ۵۸)

تذکر، روشی تربیتی بسیار موثری است که مربیان بزرگ بشریت یعنی انبیاء و اولیاء آن را به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار داده‌اند و سایر رهبران و مدیران موفق نیز باید با الهام از آنان این شیوه را به کار گیرند. از وظائف رهبر و مدیر جامعه، تذکر و غفلت زدایی از افراد جامعه است تا زمینه رفع مشکلات انسان‌ها فراهم آید. گاهی موقعیت و شرایط، اقتضای این را دارد که رهبر و مدیر، حتی دشمنان خود را نیز موعظه کند و آنها را پند دهد. امیرالمومنین علیه السلام همواره در طول زندگانی خود و به ویژه در دوران حکومتشان از باب اتمام حجت و هدایت خواهی برای همگان، نه تنها به زیردستان خود بلکه حتی به دشمنانشان نیز تذکرات لازم را برای رهایی از دام‌های شیاطین گوشزد می‌کردند. در اینجا به چند نمونه از تذکرات و موعظه‌های امام علی علیه السلام اشاره می‌شود: یکی از سرسخت‌ترین دشمنان امام، معاویه بود که حضرت بارها او را موعظه کردند، از جمله اینکه خطاب به وی فرمودند:

من تو را اندرز می‌دهم با اینکه از گذشته تو آگاهم؛ گذشته‌ای که از دیرباز نسبت به آن آشنایی دقیق دارم (گرچه می‌دانم که امروز سودی برای تو ندارد)؛ اما خداوند متعال از دانایان پیمان گرفته که رسم امانت به جای آورند و گم گشته را اندرز دهند (و از این روست که تو را اندرز می‌دهم). از خدا بترس و از کسانی مباش که از شکوه خدا بیم ندارند و فرمان عذاب برایشان واجب می‌آید که

خداوند، سخت در کمین گاه است. دنیایت به زودی از تو روی می‌گرداند و زودا زود، مایه حسرت می‌گردد... به راستی تو گروه بسیاری از مردم را به هلاکت افکندی و با گمراهی خویش فریفتی... پس ای معاویه برخویشتن از خدای بپرهیز و زمام خود را از چنگ شیطان بیرون آور که دنیا از تو جدا شدنی و آخرت به تو نزدیک است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۸۵؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۵، صص ۳۲۳ و ۴۱۹)

پیش از آغاز نبرد صفین، امیرالمومنین علیه السلام طی نامه‌ای به معاویه چنین مرقوم فرمودند: «خدای را سپاس ای معاویه! چه سخت به هوس‌های بدعت‌زا و سرگردانی پایدار، وابسته‌ای، حقیقت‌ها را تباه کرده و پیمان‌ها را شکسته‌ای، پیمان‌هایی که خواسته خدا و حجت خدا بر بندگان او بود. اما جواب پرگوئی تو نسبت به عثمان و کشتندگان او آن است که تو عثمان را هنگامی یاری دادی که انتظار پیروزی او را داشتی و آنگاه که یاری تو به سود او بود او را خوار گذاشتی. با درود.» (شریف رضی، ۱۳۹۴ ش، نامه ۳۷، ص ۳۸۷)

در این نامه، معاویه را سرزنش کرده و پیمان خدا را بر او متذکر می‌شوند هرچند او پند پذیر نیست. این فراز زیارتنامه، اشاره به چنین موضع امام دارد: «و ذکرتمهم فما ادکروا و وعظتمهم فما اتعظوا و خوفتمهم الله فما تخوفوا»

در جای دیگری امام علیه السلام در نکوهش و هشدار کوفیان از تسلط معاویه، درباره او چنین می‌فرماید:

آگاه باشید پس از من مردی با گلوی گشاده و شکمی بزرگ، بر شما مسلط خواهد شد که هر چه بیاید می‌خورد و تلاش می‌کند آنچه ندارد به دست آورد، او را بکشید ولی هرگز نمی‌توانید او را بکشید. آگاه باشید به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگویی من وادار می‌کند. بدگویی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می‌دهم که مایه بلندی درجات من و نجات شماست، اما هرگز دردل از من بیزاری نجوید که من بر فطرت توحید تولد یافته‌ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم تر بوده‌ام. (همان، خ ۵۷، ص ۷۷)

این موعظه‌های حضرت نشان می‌دهد که ایشان نه تنها معاویه را موعظه می‌کردند، بلکه مردم را نیز از او بر حذر می‌داشتند تا وظیفه الهی خود را به انجام رسانده باشند.

بنابراین تمامی رهبران و مدیرانی که می‌خواهند مجموعه تحت سیطره خود را به هدف مطلوب برسانند باید زندگی علی بن ابی طالب علیه السلام را سرلوحه زندگی خود قرار داده و از



رهنمودهای ایشان استفاده کنند. از رهنمودهای حضرت علیه السلام چنین برداشت می شود که مدیر و رهبر، اگر مطلع شود فردی به راه خطا پیش می رود، چه دوست باشد و چه دشمن، باید به او تذکر داده و راه او را تصحیح کند. در اینصورت است که به هدف اصلی دست خواهد یافت.

۲-۵. استقامت در برابر دشمن

در جای جای زیارت غدیریه به استقامت امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل دشمن اشاره شده است؛ آنجا که می فرماید: «ولا تحجم عن محارب» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۲): از مقابل هیچ جنگ جوئی بازنگشتی.

"انت الصابر في البأساء والضراء و حين البأس" (همان، ص ۳۶۴): تویی صبر کننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ.

«لك المواقف المشهودة و المقامات المشهورة و الايام المذكورة يوم بدر و احزاب» (همان): و تو را است موقعیت های گواهی شده و مقامات مشهور و روزهای یاد شده، جنگ بدر و احزاب.

«فقتلت عمرهم و هزمت جمعهم - و يوم احد...» (همان، ص ۳۶۵) عمرو فهران آنها را کشتی و جمع آنان را فراری دادی - و جنگ احد ...

«انت تذود بهم المشركين عن النبي ذات اليمين و ذات الشمال» (همان) تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دور می کردی.

«نصر بك الخاذلين - و يوم حنين ... شهدت مع النبي جميع حروبه و مغازيه» (همان): و شکست خوردگان را به وسیله ی تو یاری کرد - و روز حنین - با پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام جنگ ها و لشکرکشی هایش حاضر بودی.

«تحمل الراية امامه» (همان) پیشاپیش پرچم اسلام را به دوش می کشیدی.

«تضرب بالسيف قدامه» (همان) و در برابرش شمشیر می زدی.

"فللت عساكر المارقين بسيفك" (همان، ص ۳۶۷) و با شمشیرت لشکرهای خارج از دین را فراری دادی.

«تخمد لهب الحروب ببناك» (همان) با سر انگشتانت شعله جنگ ها را خاموش ساختی.

استقامت به معنای پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزش های دینی و عدم انحراف از راه حق به بیراهه های کفر و شرک و نفاق است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۳۷۱) و در مفهوم قرآنی

آن، اصطلاحی برای پایداری در دین و مسیر حق در برابر کثی هاست. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص ۲۸۲)

رهبر و مدیر جامعه باید از میزان استقامت و تحمل کافی برخوردار بوده، خود را برای مواجهه با شرایط دشوار آماده سازد و پیروان هم نباید رهبر خود را مضطرب یا متزلزل ببینند؛ زیرا کم ترین اضطراب در وجود رهبر، در میان پیروان شدت می یابد و با روندی افزایشی، منجر به از هم گسیختگی شدید روحیه آنان می شود. در حالیکه روحیهی اعتماد به نفس، توکل، اطمینان و صلابت رهبر جامعه، پیروان را محکم و مطمئن به کار و تکاپو راغب می سازد. (ممتاز و پرچ، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۴۰)

از دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام یک فرمانده شایسته در سپاه اسلام باید دارای ویژگی استقامت و پایداری در برابر مشکلات و مصائب باشد. (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۱)

امام در رابطه با استقامت خودشان می فرمایند:

"آنگاه که همه از ترس سست شده، کنار کشیدند، من قیام کردم و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند من آشکارا به میدان آمدم و آن زمان که همه لب فرو بستند، من سخن گفتم و آن وقت که همه باز ایستادند من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم". (شریف رضی، ۱۳۹۴ ش، خ ۳۷، ص ۶۳)

استقامت، سیره امام علی علیه السلام در زندگی بوده و این ویژگی در جنگ هایی که برای بقای دین و پیروزی اسلام شرکت می کردند کاملاً نمایان است. پس از هجرت مسلمانان به مدینه، غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله با مشرکین و منافقین و اهل کتاب آغاز شد؛ و امیرالمؤمنین علیه السلام بجز غزوه تبوک که به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از دسیسه ی دشمنان و فتنه احتمالی منافقان در مدینه ماندند (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۵۴) در همه ی غزوات حضور داشته و پرچمدار مسلمین بودند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۴۶۴). در زیارت غدیریه به حضور امام علی علیه السلام و رشادتهایشان در جنگهای بدر، احد، احزاب و حنین اشاره شده است و با توجه به عبارت امام هادی که فرموده اند: (شهدت مع النبي جميع حروبه و مغازیه) امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام جنگها و غزوات صدر اسلام در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشته اند.



در اینجا چند نمونه از غزواتی که امام علی علیه السلام در آنها شرکت کردند مختصراً ذکر می شود:

۱- جنگ بدر: این جنگ نخستین جنگ با فرماندهی پیامبر صلی الله علیه و آله بود که میان مسلمانان و مشرکان قریش در سال دوم هجری در منطقه بدر رخ داد. در این جنگ با وجود کم بودن شمار مسلمانان، اما با دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های حضرت علی علیه السلام و حمزه سیدالشهداء مسلمانان پیروز شدند. این پیروزی جایگاه مسلمانان را در مدینه تثبیت کرد. (ابن‌البربر، ۱۴۱۲، ق، ج ۱، ص ۴۳) غزوه بدر از غزوه‌های کوتاه به شمار می‌آید، زیرا بیش از نیم روز طول نکشید (واقدی، ۱۴۰۹، ق، ج ۱، ص ۷۵) در این غزوه لوای ریاست به نام عقاب که تنها در دست بزرگان و افراد خاص قرار می‌گرفت در دست امیرالمؤمنین علیه السلام بود. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۴)

با شروع جنگ تن به تن، پیامبر صلی الله علیه و آله سه تن از مسلمانان برجسته یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت حمزه علیه السلام و عبیده بن حارث را برای جنگیدن با سران مشرکین به میدان فرستادند. حضرت علی علیه السلام ولید را کشتند و حمزه، عتبه را کشت و عبیده با کمک امیرالمؤمنین علیه السلام و حمزه، شیبه را کشتند و براساس روایتی از امام علی علیه السلام، آن حضرت در کشتن هر سه نفر شرکت داشتند. (ابوالفتح رازی، بی تا، ج ۵، ص ۴۸)

در نهایت با کشته شدن سران لشکر قریش، سپاه شرک شکست خورد و دارایی‌های خود را رها کرده و از صحنه نبرد گریختند. (طرمی، ۱۳۷۵، ش، ج ۲، ص ۸۰)

جنگ بدر یکی از مهم‌ترین رخداد‌های صدر اسلام به شمار می‌آید، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آن فرمودند: «هیچ‌گاه شیطان کوچک‌تر و درمانده‌تر از روز عرفه نبوده مگر در روز بدر». (واقدی، ۱۴۰۹، ق، ج ۱، ص ۷۷) شیخ مفید در این باره می‌گوید: "از جمله کارزارهایی که حضرت علی علیه السلام حضور داشتند و با مردانگی در میدان جولان داده و پرچم پیروزی را به اهتزاز درآورده‌اند غزوه بدر بوده است." (مفید، ۱۴۱۳، ق، ج ۱، ص ۳۸۵) این عبارت زیارتنامه که می‌فرماید: "تحمل الراية امامه" اشاره به همین مطلب است.

۲- جنگ اُحد: در این جنگ که در سال سوم هجرت اتفاق افتاد؛ نافرمانی گروهی از مسلمانان از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله موجب شد سپاه مشرکان از پشت سر به سپاه مسلمانان

یورش برند. در این شرایط سخت که بسیاری از اصحاب از معرکه گریختند حضرت علی علیه السلام فداکارانه به دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر حمله مشرکان پرداختند تا آنجا که زخم‌های فراوان برداشتند و شمشیرشان شکست. (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۷۶؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۱، ص ۸۴) و این فراز زیارتنامه که می‌فرماید: «انت تذود بهم المشرکین عن النبی ذات الیمین و ذات الشمال» اشاره به حضور امیرالمؤمنین در چنین معرکه ای است. در این جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام فرمودند: «هو منی و أنا منه» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۸۵)؛ علی از من است و من از علی هستم؛ و جبرئیل در آسمان ندا داد: «السیف إلا ذوالفقار لانتی إلا علی» (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۷۸) شمشیری چون ذوالفقار و جوانمردی هم چون علی علیه السلام نیست؛ و این، همان سخن امام هادی علیه السلام است که فرمود: «تضرب بالسیف قدماه».

در این نبرد نیز نهایت استقامت امام علی علیه السلام در برابر دشمن و تلاش برای پیروزی حق نمایان است.

۳- جنگ احزاب (خندق): در این جنگ که در سال پنجم هجرت اتفاق افتاد، پس از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب خود مشورت کردند، سلمان فارسی نظر داد که خندقی اطراف مدینه حفر شود تا بین مهاجمان و آن‌ها فاصله اندازد. (ابن هشام، بی تا، ج ۳، ص ۷۰۸) چند روز دو سپاه در دو طرف خندق روبه روی هم بودند و گاهی به هم سنگ و تیر می‌انداختند تا اینکه عمرو بن عبدود (از لشکر کفار) از تنگ ترین جای خندق خود را به طرف دیگر رساند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۰، ص ۲۱۶) او نیرومندترین و دلاورترین مرد رزمنده عرب به شمار می‌رفت و عرب او را با هزار مرد جنگی برابر می‌دانستند، عمرو پس از پرش از خندق، فریاد «هل من مبارز» سرداد، فریادهای پی در پی عمرو، چنان رعب و ترس در دل‌های مسلمانان افکنده بود که در جای خود می‌خکوب شده و قدرت حرکت و عکس-العمل از آنان سلب شده بود. (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۴۷۰) هر بار که فریاد عمرو برای مبارزه بلند می‌شد، فقط حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه می‌خواستند تا به میدان بروند، سرانجام با موافقت پیامبر صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام به میدان جنگ رهسپار شدند. در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برز



الإسلام كلّه إلى الشرك كلّه»؛ تمام اسلام در برابر تمام كفر قرار گرفته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۰، ص ۲۱۵) این بیان به خوبی نشان می‌دهد که پیروزی یکی از دو گروه، کارزاری بوده سرنوشت‌ساز که آینده اسلام و شرک را مشخص می‌کرد.

با توجه به این عبارت امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه "فقتلت عمروهم و هزمت جمعهم" سرانجام علی بن ابی طالب علیه السلام پیاده به طرف عمرو شتافته و او را نقش زمین ساختند، ناگهان صدای تکبیر امام بلند شد. (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۴۷۱) و این-گونه سپاه اسلام به وسیله رشادت‌های امام علیه السلام بر سپاه کفر پیروز گشت.

۴- غزوه ذات السلاسل: در این غزوه که به سال هشتم بعد از جنگ خیبر و قبل از فتح مکه اتفاق افتاد، گروهی از کفار قصد جنگیدن با مسلمانان و شکست آنان را داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدا لشکری را به فرماندهی ابوبکر به مقابله با مشرکین فرستادند که با رسیدن به مقرّ مشرکین چند تن از مسلمانان کشته شده و بقیه برگشتند. روز بعد عمر رفت و او هم شکست خورد، روز سوم عمروعاص رفت و شکست خورد، آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را طلبیدند و پرچم جنگ را به ایشان داده و در حق آن حضرت دعا کردند، هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام با لشکر راهی شدند، تنها شب‌ها حرکت می‌کردند و روزها می‌خوابیدند که در اصطلاح به این روش «رزم شبانه» (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۱۲؛ رستمی، ۱۳۸۶ ش، ص ۴۴۹) گفته می‌شود.

امام علی علیه السلام با در پیش گرفتن این روش سرانجام به کمین‌گاه مشرکین رسیدند و در ابتدا دشمنان را به دین اسلام و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کردند ولی آنان اعتنائی نکردند، در نهایت امام علیه السلام لشکر دشمن را محاصره کردند و چند تن از بزرگانشان را کشتند. سرانجام مسلمانان به فرماندهی امیرالمؤمنین علیه السلام پیروز گشتند و آیات سوره مبارکه عادیات در این باره نازل شد. (رسولی محلاتی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۲۷)

هنگامی که حضرت علی علیه السلام به مدینه بازگشتند، پیامبر صلی الله علیه و آله با مسلمانان به استقبال آن حضرت آمدند و به ایشان فرمودند: ای علی اگر نمی‌ترسیدم که گروه-هایی از امت من درباره تو همان سخنی را بگویند که نصاری درباره مسیح گفتند، امروز درباره تو سخنی می‌گفتم که بر هر دسته از مردم عبور کنی خاک زیر پای تو را به منظور تبرک

بردارند. (کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۱، ص ۸۲؛ رسولی محلاتی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۲۷)

این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله، نشان‌دهنده عظمت کار امام علیه السلام در این غزوه و بیان‌کننده اهمیت مدیریت دقیق ایشان در این زمینه و کسب پیروزی و موفقیت است. از جمله مهم‌ترین نکات در مدیریت نظامی امام علی علیه السلام که در این جنگ مشهود است، استفاده از تکنیک رزم شبانه بوده است. با توجه به اهمیتی که امروزه به این فنّ رزمی داده می‌شود اهمیت این کار علی بن ابیطالب علیه السلام در آن زمان مشخص می‌شود که تا چه اندازه در فرماندهی لشکر مسلط بوده و هم‌چون مدیری شایسته و کاربلد با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی تمام امور را به بهترین وجه به انجام رسانیده‌اند.

۵- جنگ حنین: در این جنگ که در سال هشتم هجری رخ داد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که لباس رزم پوشیده بودند، به لشکریان مژده پیروزی دادند. آن‌گاه در تاریکی صبح، به همراه مسلمانان از درّه حنین پایین آمدند. مشرکان هوازن و ثقیف که در شکاف‌های درّه و اطراف آن کمین کرده بودند، ناگهان به مسلمانان حمله کردند. بسیاری از مسلمانان ترسیده و فراری شدند در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله به لشکریان فرمودند: «به سوی من بیایید، من رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم»، اما مردم پراکنده شدند و فقط تعداد اندکی با حضرت ماندند. (واقدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، صص ۸۹۵-۸۹۷؛ ابن هشام، بی تا، ج ۴، صص ۸۳-۸۵؛ هاشمی بصری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، صص ۱۵۰-۱۵۱) به روایتی فقط ده نفر از بنی‌هاشم از جمله حضرت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ماندند. (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۸۷)

۶- جنگ نهروان: بعد از جنگ صفین و ماجرای حکمیت، خوارج گروهی را تشکیل داده و به جنگ با امیرالمومنین علیه السلام برخاستند. امام پس از ماه‌ها صبر و شکیبایی و ایراد سخنرانی و اعزاز شخصیت‌های موثر، از اصلاح آنان مایوس شدند و چون آنان قیام مسلحانه کردند امام نیز به نبرد با آنان پرداختند، (طبری، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، صص ۶۳-۷۸؛ بلاذری، ۱۳۹۷ ق، ج ۲، ص ۳۵۲ و ص ۳۷۰) کلام امام هادی علیه السلام در زیارت "فللت عساکر المارقین بسیفک"، اشاره به همین ماجرا دارد؛ و به تعبیر خود امیرالمومنین علیه السلام، چشم



فتنه را از کاسه درآوردند که این سخن حضرت علیه السلام دال بر عبارت «تخمد لهب الحروب بینانک» در زیارت غدیریه است.

رهبران و مدیران موفق باید تمام لحظات حیات و موضعگیری آن امام در مواقف مختلف و استقامت شان را سرلوحه زندگی و الگوی خود قرار دهند تا در برابر مشکلات تسلیم نشوند و با سختی‌ها مبارزه کنند تا به پیروزی دست یابند.

۲-۶. صبر در برابر آزار دشمنان

شکیبا بودن به هنگام مواجهه با آزار دشمنان، از شیوه‌های مدیریتی امیرالمومنین علیه السلام است که در زیارت غدیریه چنین به آن اشاره شده است:

«و صبرت علی الأذى صبر احتساب» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۲): و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی، به حساب خدا.

«صابراً محتسباً» (همان، ص ۳۶۷): صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی.

«انت الصابر فی البأساء و الضراء و حین البأس» (همان، ص ۳۶۴): تویی صبر کننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ.

«و لا احجمت عن مجاهدة غاصبک ناکلاً» (همان، ص ۳۶۱): و بخاطر ترس و وحشت از پیکار با غاصبان ولایت قدم به عقب نگذاشتی.

«جاهدت فی الله صابراً» (همان) صابرا نه در راه خدا جهاد نمودی.

«و انت حانز درجه الصبر فائز بعظیم الأجر» (همان، ص ۳۶۵) تو درجه صبر را به دست آوردی، و به مزد بزرگ نائل گشتی.

صبر به معنای شکیبایی در برابر سختی‌های طاعت و دشواری‌های مصائب و عدم تمکین در برابر طغیان شهوات است که بیش‌تر در مقام عمل متصور است. (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۵۷۷) خداوند متعال در قرآن کریم در رابطه با صبر می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (هود/۱۱)؛ مگر کسانی که [در خوشی‌ها و آسیب‌ها] شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند، اینانند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است.

واسطه بودن صبر و مقاومت در تحقق اهداف، به ویژه هدف‌های بزرگ، یک سنت قطعی الهی است که بدون آن حتی پیامبران بزرگ خداوند متعال هم نمی‌توانند اهداف مدیریت خود را محقق سازند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۱۴) از این روی، قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام

صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف/۳۵) همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، شکیبیا باش.

زیرا بدون صبر و استقامت و چشیدن طعم تلخ مشکلات، نمی‌تواند رسالت خود را در رهبری و مدیریت جامعه و تحقق اهداف الهی و آرمان‌های اسلامی به انجام رساند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۱۵) بنابراین گاهی شرایط ایجاب می‌کند که مدیر با وجود قدرت، از خود صبر و شکیبایی نشان دهد و همین معنای مدیریت اقتضائی است.

امام هادی علیه السلام در این زیارت خطاب به امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «أنت الصابر فی البأساء و الضراء و حین البأس» که یکی از بارزترین مصادیق صبر حضرت علی علیه السلام در رابطه با این عبارت، ماجرای شعب ابی طالب است، هنگامی که مشرکان مکه از هر راه و وسیله ای برای جلوگیری از پیامبر صلی الله علیه و اله وارد شدند ولی نتیجه نگرفتند، تصمیم گرفتند ان حضرت صلی الله علیه و اله و بستگانش از بنی هاشم را در شعب ابوطالب، محاصره شدید اقتصادی نمایند تا آنها از شدت گرسنگی و تشنگی بمیرند. ماجرای محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب، ان هم بیش از دوسال، در دره ای سوزان، بدون وسیله، بسیار طاقت فرسا بود. یکی از امور مهم در ماجرای محاصره این بود که ابوطالب پدر بزرگوار حضرت علی علیه السلام شب و روز در فکر نگهداری پیامبر صلی الله علیه و اله بود، شب‌ها مکرر بستر او را عوض می‌کرد و غالباً فرزندش امیرالمومنین علیه السلام را در بستر او می‌خوابانید و او را در جای دیگر تا مبادا بستر ان حضرت صلی الله علیه و اله شناخته شود و مشرکان با مکر و نیرنگ به ان حضرت صلی الله علیه و اله اسیب برسانند، یا از بالای کوه ابو قیس به سوی بستر او سنگ پرتاب کنند. حضرت علی علیه السلام با کمال شهامت و خلوص، در چنین شرایط سخت و طاقت فرسا در بستر پیامبر صلی الله علیه و اله می‌خوابیدند و جان خود را بارها فدای ان حضرت صلی الله علیه و اله می‌کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۵، ص ۹۳)

امام علیه السلام درباره صبر خود در خطبه ۲۱۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «خدایا برای پیروزی بر قریش و یارانش از تو کمک می‌خواهم که پیوند خویشاوندی مرا بریدند و کار مرا دگرگون کردند و همگی برای مبارزه با من، در حقی که از همه آن‌ها سزاوارترم، متحد گردیدند و گفتند: «حق را اگر توانی بگیر و اگر تو را از حق محروم دارند، یا با غم و اندوه صبر کن و یا با حسرت بمیر!». به اطرافم نگرستم، دیدم که نه یآوری دارم و نه کسی از من دفاع و یا حمایت می‌کند، جز خانواده‌ام



که مایل نبودم جانشان به خطر افتد. پس خار در چشم فرورفته، دیده برهم نهادم و با گلویی که استخوان در آن گیرکرده بود، جام تلخ را جرعه جرعه نوشیدم و در فروخوردن خشم، در امری که تلخ تر از گیاه حنظل و دردناک تر از فرورفتن تیزی شمشیر در دل بود، صبرکردم». (شریف رضی، ۱۳۹۴ ش، خ ۲۱۷، ص ۳۱۷)

حضرت علی علیه السلام در آن دوران ۲۵ ساله‌ای که او را از تصدی خلافت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بازداشته بودند، ساعت‌ها و روزهای بسیار تلخ و دردناکی را می‌گذراندند. نه بخاطر اینکه در رأس حکومت نبودند، چرا که خودشان صریحاً بی‌اعتنایی خویش را به این امر، در خطبه‌های متعدد بیان کرده و روشن ساخته‌اند؛ که این مقام، تنها یک مسئولیت الهی است، نه وسیله‌ای برای افتخار و مباهات، بلکه علت شدت ناراحتی ایشان این بود که می‌دیدند مردم، تدریجاً از روح اسلام دور می‌شوند و بسیاری از سنن جاهلی، زنده می‌شود عبارات امام نشان می‌دهد که در آن دوران در میان دو مسأله ناگوار گرفتار بودند: از یک سو، از دست رفتن حق مسلم خودشان و مسلمانان را مشاهده می‌کردند، حقی که با از بین رفتنش، انحرافات عجیبی پیدا شد و از سوی دیگر، توطئه شدید منافقان و دشمنان اسلام را می‌دیدند که برای نابودی و محو اسلام، کمر بسته و سوگند خورده بودند و امام علیه السلام براساس قاعده منطقی و عقلانی و شرعی اهم و مهم، به یاری اسلام شتافتند و در برابر مشکل نخست، دندان بر جگر گذاشتند و ناراحتی‌ها را تحمل کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۵، صص ۲۷۳-۲۷۹)

امام علی علیه السلام به عنوان مدیری شایسته و نیرومند، آن شرایط دشوار را به بهترین نحو مدیریت کردند و برای حفظ اسلام سال‌ها مشکلات و سختی‌های بسیاری را تحمل کردند و در برابر مصائب طاقت‌فرسایی که می‌دیدند صبوری پیشه ساختند تا بتوانند به هدف والای خود دست یابند و مأموریت الهی خود را به انجام رسانند.

۲-۷. سخت‌گیری بر دشمنان

امیرالمومنین علیه السلام هرچند در برابر آزاری که از سوی دشمن اعمال می‌شد صبوری بخرج می‌دادند اما در جای خود نیز بر آنان سخت می‌گرفتند. این دشمنان خواه از کافران بودند که در آغاز اسلام و زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و خواه از مسلمانان بودند که در دوران حکومت ظاهری امیرالمومنین علیه السلام به مقابله با حاکم اسلامی برخاسته بودند. این نکته در زیارت غدیری بیان شده است:

«أَعَزَّةَ عَلِيٍّ الْكَافِرِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۴) بر کافران سخت.
«فَقَتَلْتَ عَمْرَهُمْ وَهَزَمْتَ جَمْعَهُمْ» (همان، ص ۳۶۵): پس عمرو قهرمان آنها را کشتی و جمع آنان را فراری دادی.

«تَخَمَدَ لِهَبِّ الْحُرُوبِ بَيْنَانِكَ» (همان، ص ۳۶۷): با سرانگشتانت شعله های جنگ را خاموش ساختی.

بر پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد با کفار و سخت گیری بر آنان واجب شده است و خداوند متعال در قرآن به ایشان می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (تحریم/۹)؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جنگ کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و بد بازگشت گاهی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر کفار هیچ گونه مدارا و سهل انگاری را جایز نمی دانستند و برای اجرای قوانین الهی با متخلفان با قاطعیت برخورد می کردند. به عنوان مثال در جنگ بدر پس از پیروزی امام علی علیه السلام و حضرت حمزه بر دلاوران قریش که اثر خردکننده ای در روحیه ی فرماندهان سپاه شرک داشت، جنگ همگانی آغاز شد و منجر به شکست فاحش ارتش شرک گردید، به طوری که هفتاد نفر از مشرکان اسیر گشتند، در این جنگ بیش از نیمی از کشته شدگان با ضربت شمشیر علی بن ابی طالب علیه السلام از پای درآمدند. مرحوم شیخ مفید، سی و شش تن از کشته شدگان کفار در جنگ بدر را نام می برد و می نویسد: «راویان شیعه و سنی به اتفاق نوشته اند که این عده را علی بن ابی طالب علیه السلام شخصاً کشته است، بجز کسانی که در مورد قتل آنان اختلاف است و یا حضرت علی علیه السلام در کشتن آنان با دیگران شرکت داشته اند.» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۹؛ پیشوائی، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۲)

عبارت فقتلت عمرهم و هزمت جمعهم، در زیارت غدیریه اشاره به حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ بدر و رویارویی ایشان با عمرو بن عبدود است که در ماجرای جنگ احزاب، قبلا گذشت.

هم چنین امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابله با افرادی که به ظاهر مسلمان بودند، ولی در حقیقت تابع اوامر رسول خدا نبودند نیز شدت عمل نشان می دادند و دسیسه های شوم چنین افرادی را از بین می بردند. به عنوان نمونه در خطبه ۹۳ نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ای مردم من بودم که چشم فتنه را کردم و جز من هیچ کس جرات چنین کاری را نداشت، آنگاه که



امواج سیاهی ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدت خود رسید.» (شریف رضی ۱۳۹۴ ش، خ ۹۳، ص ۱۲۳) در رابطه با اینکه مقصود از فتنه در این عبارت کدام فتنه است، چندین احتمال داده شده است:

۱. برخی آن را اشاره به فتنه جنگ جمل دانسته اند، زیرا افراد ساده لوح و حتی آنها که در درجه متوسطی از علم و ایمان بودند، در آن حیران شده بودند که آیا می شود با گروهی که ظاهراً مسلمان هستند و به اصطلاح اهل قبله اند جنگید؟! گروهی که بعضی از صحابه معروف مانند (طلحه و زبیر) در میان آنهاست و همسر رسول خدا (عایشه) زمامدار آن است.
۲. بعضی دیگر فتنه (خوارج) در (نهران) را مقصود از فتنه در کلام امیرالمومنین علیه السلام دانسته اند، زیرا خوارج علی رغم آلودگی و انحراف باطنی و حماقتشان، ظاهری آراسته داشتند. لذا بسیاری از ساده دلان در مبارزه با آنان، تردید به خود راه می دادند. بدین ترتیب حضرت علی علیه السلام چشم این فتنه را که برخاسته از کج اندیشی ها و اعمال منافقانه خوارج بود نیز، کور کردند.
۳. بعضی دیگر، فتنه (معاویه)، شامیان و جنگ صفین را منظور امام علیه السلام از فتنه دانسته اند. وقتی که در میانه جنگ، سپاه معاویه که در آستانه شکست بودند، قرآن بر نیزه کردند و به همین دلیل با این فتنه، برخی از سپاهیان امیرالمومنین علیه السلام از ادامه جنگ سرباز زدند و با اینکه حضرت علیه السلام تا سر حد پیروزی بر علیه سپاه معاویه پیش رفته بودند، این فتنه گمراه کننده را، با تدابیر خاصه خود خاموش ساختند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۴، صص ۲۱۵-۲۲۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۱۰)

۲-۸. کاردانی و تدبیر در مقابله با دشمن

شناخت دشمن از ویژگیهای مدیراست ولی این به تنهایی کافی نیست افزون بر آن، مدیر باید بداند که در مقابل حيله ها و کيدهای دشمن چه تدبیری بیندیشد تا بتواند بر او فائق آید. این مساله در زیارت غدیریه درباره اداره امور در مواجهه امیر مومنان علیه السلام با دشمنان چنین ذکر شده است: «و إذ ما کرک الناکثان فقلا نرید العمره فقلت لهما لعمر کما ما تریدان العمره و لکن تریدان الغدره فأخذت البیعة علیهما و جدت الميثاق» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۷، ص ۳۶۵) هنگامی که دو عهد شکن (طلحه و زبیر) با تو به فریبکاری برخاستند و گفتند: قصد عمره داریم، به آنان گفتی، به

جان خودتان قسم، قصد عمره ندارید، بلکه قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی و پیمان را محکم کردی.

«لحزمك المشهور و بصيرتك في الامور امرك في المواطن» [رسول خدا] بخاطر تدبیر و کاردانی مشهورت و بصیرتت در امور، در تمام میدان‌ها ترا به فرماندهی می‌گماشت.

هوش از صفاتی است که همه‌ی صاحب‌نظران تأثیر آن را در موفقیت رهبران پذیرفته‌اند. مقصود از هوش، برخوردار بودن از فهم، درک، شعور، عقل، خرد، هوشمندی و هوشیاری است. کسی که از این نیرو بهره‌مند باشد، در شناخت نیروها و آگاهی به امور، فهم مشکلات، یافتن راه حل‌ها، شناخت نقاط ضعف برنامه‌ها، پیش‌بینی دشواری‌های آینده، ایجاد انگیزش در نیروها و به کارگیری فنون مدیریت موفق‌تر خواهد بود. (همان، ص ۲۳۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام منبع علم و فهم و دانش و خرد و درک و هوشمندی بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ایشان فرمودند: «خداوند آن قدر از فهم و دانش به علی علیه السلام عطا فرمود که اگر فهم و دانش او را بین زمینیان تقسیم کنند، همه را دربر خواهد گرفت و همه دانا می‌شوند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۹، ص ۳۷)

حضرت علی علیه السلام از گذشته، آینده و حوادث عصر خود آگاهی کامل و کافی داشتند. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۹۳) لذا پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی از جنگ‌هایی که خود حضور پیدا نمی‌کردند، طبق عبارت زیارت غدیری «لحزمك المشهور و بصيرتك في الامور امرك في المواطن»، امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان فرمانده انتخاب می‌کردند، در اینجا چند نمونه از این جنگ‌ها مختصراً ذکر می‌شود:

۱. سریه علی بن ابی طالب علیه السلام به فدک برای مقابله با بنی سعد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن حضرت را به عنوان فرمانده صد نفر در ماه شعبان سال ششم هجری به سوی قبیله (بنی سعد) در ناحیه (فدک) اعزام نمودند. (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۵۶۲؛ هاشمی بصری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۶۹؛ طبری، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۶۴۲)

۲. سریه علی بن ابی طالب علیه السلام برای ویران کردن بت‌خانه در فلس در قبیله طی: رسول خدا صلی الله علیه و آله، ایشان را به عنوان فرمانده یکصد و پنجاه نفر از انصار، در سال نهم هجرت برای ویران کردن بت و بتکده (فلس) در منطقه نجد که قبیله (طی) آن را می‌پرستیدند، روانه فرمودند. (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۹۸۴؛ هاشمی بصری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۲۴)



۳. سربه علی بن ابی طالب علیه السلام به یمن: این سربه در ماه رمضان سال دهم هجری اتفاق افتاد که آن حضرت به عنوان فرمانده حضور داشتند. (واقعی، ۱۴۰۹، ق، ج ۳، ص ۱۰۷۹)

امیرالمومنین علیه السلام همواره تقوای الهی را درپیش گرفته بودند و براساس دستورات خداوند متعال احکام دینی را اجرا می‌کردند و به عنوان حاکم و مدیر و رهبر مسلمانان در برابر افرادی که قصد مخالفت با اوامر الهی را داشتند، زیرکانه رفتار می‌کردند و از مقاصد شوم دشمنان و خدعه‌ها و نیرنگ‌های آنان مطلع بودند و به همین علت در برابر خواسته‌های شیطانی آن‌ها با صراحت تمام مقابله می‌کردند و هرگز در امور دین مداخله و سستی نشان نمی‌دادند و در برابر دشمنان خدا و مخالفان دین ایستادگی می‌کردند.

جنگ جمل اولین جنگ در دوران حکومت امیرالمومنین علیه السلام بود که بین سپاه حضرت علی علیه السلام و اصحاب جمل (طلحه، زبیر، عایشه)، در نزدیکی بصره آغاز شد. (طباطبائی، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۲) شروع جنگ جمل از آنجا بود که طلحه و زبیر از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، به ظاهر برای ادای عمره مفرده اجازه خواستند تا از مدینه به مکه بروند، ولی در حقیقت برای خروج بر علیه امام علیه السلام و جنگ با ایشان این درخواست را کردند و این فراز از زیارت نامه «و إذ ما کرک الناکثان فقالا نرید العمره فقلت لهما لعمر کما ما تریدان العمره و لکن تریدان الغدره» اشاره به خروج ان دو و مکرشان بر علیه حاکم اسلامی دارد، البته حضرت علی علیه السلام به عنوان حاکم و مدیری حاذق، از مکر ان دو مطلع گشتند و طبق عبارت زیارت غدیریه، به ان‌ها گوشزد کردند که شما قصد عمره ندارید بلکه قصد خیانت دارید؛ اما وقتی ان دو نفر به مکه رفتند و جنگ جمل را به همراه (عایشه) راه انداختند، پیش از آغاز جنگ امیرالمومنین علیه السلام، اصحاب جمل را به آنچه در قران است و پرهیز از تفرقه دعوت کردند، اما ان‌ها نپذیرفتند، در ان هنگام حضرت علیه السلام جنگ را روا دانستند ولی یاران خود را از آغاز کردن جنگ پرهیز داده بودند. (دینوری، ۱۳۳۰ ق، ص ۱۴۹) به علاوه حضرت علی علیه السلام به سپاهیان خود سفارش کردند که مجروحی را نکشند، کسی را مثله نکنند، بی اجازه وارد خانه ای نشوند، به کسی ناسزا نگویند، زنی را هجو نکنند و جز آنچه در اردوگاه اصحاب جمل است، برندارند. (طبری، ۱۳۸۸ ش، ج ۴، ص ۵۰۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۶)

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۷۲ نهج البلاغه از طلحه و زبیر شکایت می‌کنند و می‌فرمایند: «طلحه و زبیر و یارانشان بر من خروج کردند... و لشکری را گردآوردند که همه‌ی آن‌ها به اطاعت

من گردن نهاده و بدون اکراه و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند، پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه‌داران بیت‌المال مسلمین و به مردم بصره حمله کردند، گروهی از آنان را شکنجه کرده و گروه دیگری را با حیله کشتند.» (شریف رضی، ۱۳۹۴ ش، خ ۱۷۲، ص ۲۳۲) همچنین در مورد طلحه و زبیر می‌فرماید:

طلحه و زبیر چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند، اما کاری از پیش نبردند و سرانجام سست گردیدند؛ ولی ما این‌گونه نیستیم تا عمل نکنیم، رعد و برقی نداریم و تا نباریم سیل جاری نمی‌سازیم. (همان، خ ۹، ص ۳۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگری، زبان به شکایت از طلحه و زبیر و ظلمی که آن دو به ایشان روا داشتند، می‌گشایند و می‌فرماید: به خدا سوگند (طلحه و زبیر) و پیروانشان، نه منکری در کارهای من سراغ دارند که برابر آن بایستند و نه میان من و خودشان راه انصاف پیمودند. آن‌ها حقی را می‌طلبند که خود ترک کرده‌اند و انتقام خونی را می‌خواهند که خود ریخته‌اند. اگر من در ریختن این خون شریکشان بودم آن‌ها نیز از آن سهمی دارند و اگر خودشان تنها این خون را ریخته‌اند، باید از خود انتقام بگیرند. اولین مرحله عدالت آن است که خود را محکوم کنند. آگاهی و حقیقت بینی، با من همراه است، نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام و نه بر من پوشیده بود. ناکثین (اصحاب جمل) گروهی سرکش و ستمگرند، خشم و کینه، زهر و عقرب و شبهاتی چون شب ظلمانی در دل‌هایشان وجود دارد. در حالی که حقیقت، پدیدار است و باطل، ریشه‌کن شده و زبانش از حرکت بر ضد حق فرومانده است. به خدا سوگند، حوضی برایشان پر از آب نمایم که تنها خود بتوانم آبش را بیرون کشم، به گونه‌ای که از آب آن سیراب نگردند و پس از آن از هیچ گودالی آب ننوشند. (نقشه‌ای برای آنان طرح کنم که راه فرار نداشته باشند). (همان، خ ۱۳۷، ص ۱۸۱)

در این خطبه امام علیه السلام به پیمان‌شکنی (طلحه و زبیر) به بهانه شرکت حضرت علیه السلام در قتل (عثمان) اشاره می‌کنند، در حالی که آن‌ها بودند که مردم را ضد (عثمان) تحریک می‌کردند و آنها را نصیحت همراه با تهدید می‌کنند تا دست از فتنه‌انگیزی خود بردارند و به جمهور مسلمین بپیوندند و در پایان امیرالمؤمنین علیه السلام به آن دو نفرین می‌کنند، نفرینی که سرانجام دامان هر دو را گرفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۵، صص ۵۰۵-۵۱۳)

این سخنان امام علی علیه السلام نشان‌دهنده آگاهی کامل ایشان نسبت به دشمنان و اغراض شوم آنان است. امام با هوشمندی، زیرکانه بین مسائل مختلف ارتباط برقرار می‌کنند و اهداف خود را در رابطه با تصمیمات خود بیان کرده و سپس با جدیت تمام تصمیمات خود را عملی ساخته و با صراحت کامل، آگاهی خود را نسبت به حيله‌های دشمن برای آنان بیان می‌کنند.

نتیجه

از مباحثی که در این نوشتار بازتاب یافت، نتایج ذیل قابل استفاده است: مدیریت، فرایند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد.

از جمله روش‌های مدیریتی امیرالمومنین علیه السلام در مقابله با دشمنان در حکومت خود، شجاعت است. امام علیه السلام با به کارگیری این روش باعث بروز و ظهور دلآوری و شجاعت در بین افراد اجتماع آن روز شدند. کسانی که این صفت را دارا باشند زمینه ساز عزت و سربلندی می‌گردند و قلب‌ها را با خود همراه می‌کنند.

قاطعیت امیرالمومنین علیه السلام در برابر دشمنان نظام مدیریتی ایشان در پیشبرد اهداف حکومتی را نشان می‌دهد که با ظرفیت فکری و روحی لازم توانستند در برابر دشمنان ایستادگی کرده و حکومت آن روز را به بهترین وجه ممکن اداره کنند.

افرادی می‌توانند رهبری و مدیریت انسان‌ها را به عهده بگیرند که از نظر توانایی و دانش بر زیردستان برتر باشند. علی بن ابیطالب علیه السلام در حکومت خود حتی یک لحظه هم سستی نشان ندادند.

استقامت سیره امیرالمومنین علیه السلام در زندگی بوده و ایستادگی ایشان در جنگ‌های بدر، احد و غزوه ذات السلاسل و... که برای بقای دین و پیروزی اسلام شرکت می‌کردند کاملاً نمایان است. یکی از مهم‌ترین ارکان اسلام، اخلاق است. با وجود اینکه معاویه از سرسخت‌ترین دشمنان امیر مومنان بود، امام بارها او را موعظه کردند.

صبر و مقاومت در جهت تحقق اهداف، به ویژه هدف‌های بزرگ، یک سنت قطعی الهی است که بدون آن حتی پیامبران بزرگ الهی هم نمی‌توانند اهداف مدیریت خود را محقق سازند. در سیره

زندگانی امیر مومنان علیه السلام صبر ایشان در عرصه های مختلف در جهت تحقق اوامر الهی کاملاً مشهود است.

هوش از صفاتی است که همه‌ی صاحب نظران تأثیر آن را در موفقیت رهبران پذیرفته‌اند. حضرت علی علیه السلام از گذشته، آینده و حوادث عصر خود آگاهی کامل و کافی داشتند، ایشان همواره تقوای الهی را در پیش گرفته بودند و براساس دستورات خداوند متعال احکام دینی را اجرا می‌کردند و به عنوان حاکم و مدیر و رهبر مسلمانان در برابر افرادی که قصد مخالفت با اوامر الهی را داشتند، زیرکانه رفتار می‌کردند و از مقاصد شوم دشمنان و خدعه‌ها و نیرنگ‌های آنان مطلع بودند و به همین علت در برابر خواسته‌های شیطانی آن‌ها با صراحت تمام مقابله می‌کردند.

نتیجه این که مدیریت امیرالمؤمنین علیه السلام از نوع مدیریت اقتضائی بوده و این نوع مدیریت اقتضاء می‌کند که عملکرد مدیر در هر زمان، باید با توجه به موقعیت و مجموع شرایط وی ارزیابی شود و به همین دلیل مدیریت اقتضائی همواره بر مبنای شناخت مقتضیات تحقق می‌پذیرد. الگو پذیری از روش های مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام با استفاده از زیارت غدیریه، باعث پیشرفت مدیریت در امور مختلف جامعه و ارائه راهکارهای اساسی برای حل شدن مشکلات در زمینه های مختلف خواهد بود.





فهرست منابع

قرآن کریم. ترجمه: حسین انصاریان

نهج البلاغه. ترجمه: محمد دشتی

کتاب های عربی

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغه. قم: مكتبة آية الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. الاصابة في تمييز الصحابة. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر. التحرير و التنوير. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. الاستيعاب في معرفة الاصحاب. بیروت: دارالجليل، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن فارس، ابواحمد. معجم مقاییس اللغة. قم: مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن مشهدی، محمد بن جعفر. المزار الكبير. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۹ ق.
۷. ابن مکی (شهید اول)، محمد. المزار. قم: مدرسه امام مهدی علی السلام، بی تا.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابن هشام، عبدالملک. السيرة النبوية. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. ابن المغازلی، علی بن محمد. مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام. بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۴ ق.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. مقاتل الطالبیین. قم: المكتبة الحیدریة، ۱۴۲۳ ق.
۱۲. بحرانی، عبدالله بن نورالله. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال. قم: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی. جمل من انساب الاشراف. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۷ ق.
۱۴. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز. السقیفه و الفدک. تهران: مكتبة نینوی الحیدیه، بی تا.
۱۵. دینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبه. الامامة و السياسة. مصر: مكتبة مصطفى البابی، ۱۳۸۸ ق.

۱۶. دینوری، ابوحنیفه. **الاحبار الطوال**. قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۳ ش.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. **تاریخ الخلفاء**. حلب: دارالقلم العربی، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. طبرسی، فضل‌بن حسن. **اعلام الوری باعلام الهدی**. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد. **مجمع البحرین**. تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. طوسی، محمدبن حسن. **الامالی**. قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. **بصائر ذوی التمییز فی لطائف کتاب‌العزیز**. قاهره: وزارة الاوقاف، ۱۴۱۶ ق.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب. **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم. **تفسیر فرات الکوفی**. تهران: مؤسسه النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. مجلسی، محمد باقر. **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مفید، محمدبن محمد. **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. مقدسی، مطهر بن طاهر. **البدء و التاریخ**. بی‌مک: مکتبة الثقافة الدینیة، بی تا.
۲۷. هاشمی بصری، محمدبن سعد. **الطبقات الكبرى**. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. واقدی، محمدبن عمر. **المغازی**. ج ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. یعقوبی، احمدبن اسحاق. **تاریخ الیعقوبی**. بیروت: دار صادر، بی تا.
- کتاب های فارسی**
۳۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، بی تا.
۳۱. امینی، عبدالحسین. **الغدیر فی کتاب و السنة و الادب**. مترجم: محمدباقر بهبودی، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۵۴ ش.
۳۲. پیشوائی، مهدی. **سیره پیشوایان**. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. رستمی، محمود. **فرهنگ واژه‌های نظامی**. تهران: ایران سبز، ۱۳۸۶ ش.



۳۴. رسولی محلاتی، هاشم. خلاصه تاریخ اسلام زندگانی امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن مجتبی علیه السلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۳۵. رضائیان، علی. اصول مدیریت. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳۶. روشن، علی اصغر و فرهادیان، نوراله. فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی سیاسی - نظامی. تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. زارعی، زهرا. نگاهی به سیره حکومتی امام علی علیه السلام. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵ ش.
۳۸. سلمانی کیاسری، محمد. حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه. قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. طارمی، حسن. دانش‌نامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۴۰. طباطبایی، سید محمدکاظم. تاریخ حدیث شیعه (۱) عصر حضور. تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۸ ش.
۴۱. طبری، محمدبن جریر بن یزید. تاریخ الامم و الملوک. مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ش.
۴۲. عین‌القضاة، علی اصغر. امام علی علیه السلام. عقلانیت و حکومت. قم: پرتو نور خورشید، ۱۳۸۵ ش.
۴۳. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
۴۴. محمدی ری شهری، محمد. اخلاق مدیریت. قم: دارالحدیث، ۱۳۹۱ ش.
۴۵. محمدی ری شهری، محمد؛ طباطبائی، محمد کاظم و طباطبائی نژاد، سید محمود. دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ. مترجم: عبدالهادی مسعودی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۶ ش.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۴۷. ممتاز، حسین؛ پرچ، مهرداد. اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام. تهران: مؤسسه دانش ماندگار عصر، ۱۳۹۵ ش.

۴۸. میرشفیعی، صادق، علی، آفتاب ملکوت. قم: طوبای محبت، ۱۳۹۹ ش.

مقالات

۴۹. خلیلی، میثم؛ اصفهانی، سید عبدالله؛ حسینی، سیده فاطمه، زیارت غدیریه از منظر روش تفسیری مصداق یابی، حدیث و اندیشه، ۲۴، ۸۶-۱۳۹۶، ۱۰۸ ش.

۵۰. طالعی، عبدالحسین، درس های امامت از زیارت غدیریه، صحیفه اهل بیت، ۳ و ۴، ۷۰-۴۵، ۱۳۹۵ ش.

۵۱. غلامپور، عقیده، حسینی، مریم، اثبات ولایت حضرت علی در زیارت غدیریه، میراث طاها، ۱۹، ۵-۱۳۹۴، ۳۳ ش.

۵۲. قائمی مقدم، محمدرضا، روش تربیتی تذکر در قرآن کریم، تربیت اسلامی، ۱۳۸۷، ۶، ۵۸ ش.

۵۳. ملکی تراکمه، محمود؛ رحیم دل، فاطمه، سبب صدور زیارت غدیریه امام هادی (ع)، صحیفه اهل بیت، ۳ و ۴، ۱۱-۱۳۹۵، ۳۰ ش.

